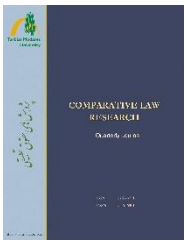

Comparative Law Research Quarterly, Vol. 30, No.2, Summer 2026, Pp. 95-129

The Legal Nature, Effects, and Sanctions of the Termination of Proceedings in Iranian Civil Procedure: A Comparative Study of French and Common Law Systems

ARTICLE INFO
DOI: 10.48311/clr.2026.118236.82797

Article Type
Research Article

Authors:
[1] Ali Ansari*
ORCID: https://0009-0006-2626-5420
[2] Mohammad Karbalaei Pazoki
ORCID: https://0000-0003-3867-7810

Affiliation:
[1] Associate Professor in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
[2] Ph.D. Graduate in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Correspondence:
Email: ali.ansari1975@yahoo.fr

Article History:
Received: 2025/12/15
Received in Revised form: 2025/01/30
Accepted: 2026/02/01

Abstract

The termination of proceedings, as a stage in the adjudicatory process where the court declares its readiness to issue a conclusive judgment, plays a pivotal role in procedural efficiency. The most significant effects of this institution are the rendering of the final judgment and the inadmissibility of new evidence. This analytical and comparative research demonstrates that the legal nature of this institution in the Iranian legal system is ambiguous due to the absence of an independent and codified judicial decision. It currently occupies a vague space between an administrative and a judicial act and is considered irrevocable. This inflexibility may conflict with the principles of a fair trial. The comparative study indicates that modern legal systems have moved toward controlled flexibility. French law, through the mechanism of the "closing order" *(ordonnance de clôture)* and particularly through various legislative reforms, has provided for the revocation of the termination order. The Common Law system, through its "active case management" approach, also maintains the possibility of revising procedural deadlines. Finally, by analyzing challenges such as the potential for abuse of this institution and the requirements of a fair and efficient trial, this research elucidates the necessity of amending Article 295 of the Iranian Civil Procedure Code and establishing a modifiable "Order for the Termination of Proceedings."

Keywords: Termination of Proceedings, Conclusion of Trial, Closing Order *(Ordonnance de Clôture)*, Fair Trial, Case Management, Revocation of Termination

Copyright © 2026, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0) which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی
دوره ۳۰، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵
صص ۹۵-۱۲۹
مقاله پژوهشی

Comparative Law Research Quarterly
Vol.30, No.2, Summer 2026
Pp 95-129
Original Article

شناسایی ماهیت، آثار و ضمانت‌اجرای ختم دادرسی در فرآیند دادرسی مدنی ایران (با مطالعه تطبیقی نظام حقوقی فرانسه و کامن‌لا)

علی انصاری[۱*] ، محمد کربلایی پازکی[۲]

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ ارسال : ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

چکیده

ختم دادرسی به‌عنوان مقطعی از دادرسی که دادگاه آمادگی خود را برای صدور رأی قاطع اعلام می‌کند، نقشی محوری در کارآیی دادرسی دارد که مهم‌ترین آثار آن، انشاء رأی و عدم استماع ادله جدید است. این تحقیق تحلیلی و تطبیقی نشان می‌دهد که ماهیت حقوقی این تأسیس در نظام حقوقی ایران به دلیل فقدان یک تصمیم قضایی مستقل و مدون، با ابهام مواجه است و در یک خلأ میان عمل اداری و قضایی قرار دارد و غیرقابل عدول است. این انعطاف‌ناپذیری می‌تواند با اصول دادرسی منصفانه در تعارض قرار گیرد. مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که نظام‌های مدرن به سمت انعطاف‌پذیری کنترل‌شده حرکت کرده‌اند؛ حقوق فرانسه با پیش‌بینی «قرار ختم تحقیق» و به‌ویژه با اصلاحات متنوع، امکان لغو قرار ختم دادرسی را فراهم آورده است. نظام کامن‌لا نیز با رویکرد «مدیریت فعال پرونده»،

* نویسندهٔ مسئول مقاله: Email: ali.ansari1975@yahoo.fr

کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.

امکان بازنگری در مواعد را حفظ می‌کند. این پژوهش در نهایت، با تحلیل چالش‌هایی نظیر سوءاستفاده احتمالی از این نهاد و رسیدگی منصفانه و کارآمد، ضرورت اصلاح ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی ایران و پیش‌بینی «قرار ختم دادرسی» قابل تعدیل را تبیین می‌نماید.

واژگان کلیدی: ختم دادرسی، ختم رسیدگی، قرار ختم تحقیق، دادرسی منصفانه، مدیریت پرونده، عدول از ختم دادرسی

۱. مقدمه

در نظام دادرسی سنتی ایران، پایان رسیدگی تابع تشریفات شکلی مستقلی نبود و قاضی پس از احراز کفایت استماع اظهارات طرفین، بدون اعلام رسمی مرحله‌ای مجزا، مبادرت به صدور حکم می‌کرد. با شکل‌گیری نظام قانون‌گذاری مدرن، این وضعیت دستخوش تحول شد. مطابق ماده ٤٤٠ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰/۸/۱۸ شمسی (۱۳۲۹ قمری)، بعد از ختم مذاکره شفاهی متداعیین و اظهار عقیده مدعی‌العموم، محکمه هرگاه بتواند فوراً رأی می‌دهد، در غیر این صورت رئیس و اعضا به اتاق مخصوص رفته و بعد از مشاوره در امری که موضوع محاکمه بوده اظهار علم خودشان را می‌نمایند.

برای نخستین‌بار، نهاد اعلام ختم دادرسی به‌طور صریح در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ پیش‌بینی گردید. قانون‌گذار در ماده ۱۵۲، اعلام ختم دادرسی را مقدمه ضروری صدور رأی دانست. مطابق این ماده: «پس از اعلام ختم دادرسی هرگاه دادگاه بتواند در همان جلسه رأی می‌دهد و الّا روز و ساعتی را برای اعلام رأی، معین کرده و درصورت‌جلسه دادرسی قید و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید. (در صورت اخیر نباید بین روز ختم دادرسی و روز اعلام رأی بیش از یک‌هفته فاصله شود)». سرانجام، در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، بدون ایجاد تحول ماهوی، این نهاد تثبیت گردید و مطابق ماده ۲۹۵، دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی مکلّف به انشای رأی و صدور آن شد.

با این حال، قانون‌گذار ایرانی همواره از اعطای وصف «تصمیم قضایی مستقل» به اعلام

علی انصاری و همکار ـــــــ

- ماهیت دقیق ختم دادرسی، اداری است یا قضایی و این تفکیک چه آثاری دارد؟
- آیا جایگاه فعلی ختم دادرسی با اصول دادرسی منصفانه، به‌ویژه حق دفاع، سازگار است؟
- آیا می‌توان تحت شرایطی خاص، دادرسی را پس از اعلام ختم بازگشایی نمود؟
- نظام‌های حقوقی دیگر، مانند فرانسه و کامن‌لا، چه مدل‌های جایگزینی برای مدیریت این مرحله از دادرسی ارائه می‌دهند؟

مقاله حاضر در پاسخ به این پرسش‌ها و در امتداد مطالعات تطبیقی پیشین در این نشریه (ناظریان، ۱۳۹۳؛ فهیمی، ۱۴۰۲)، با تحلیل مفهوم و ماهیت ختم دادرسی در حقوق ایران و بررسی تطبیقی مدل‌های جایگزین، در نهایت پیشنهاد ایجاد نهادی حقوقی مدوّن، شفاف و منعطف تحت عنوان «قرار ختم دادرسی» را در نظام حقوقی ایران ارائه می‌نماید.

۲. مفهوم و ماهیت حقوقی ختم دادرسی

ختم دادرسی مقطعی از رسیدگی است که علی‌رغم تشابه، از مفاهیمی چون «ختم مذاکرات»[4] و «ختم رسیدگی»[5] متمایز است؛ لذا در ادامه ضمن تبیین مفهوم، به ابعاد حقوقی و وجوه افتراق آن پرداخته می‌شود.

۲-۱) مفهوم‌شناسی ختم دادرسی

در واکاوی لغوی، «ختم» به معنای پایان رساندن (عمید، ۱۳٦٤) و «دادرسی» به معنای رسیدگی به دادخواهی و اقامه عدل است (معین، ۱۳۸۱: ٦٥١؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۰٦۲۲). در اصطلاح حقوقی، دادرسی در معنای اعم ناظر بر تشریفات و «فرآیند رسیدگی به اختلاف» (مفهوم شکلی) و در معنای اخص، دلالت بر «محتوای دادرسی» و رساندن حق به تظلّم‌خواه (مفهوم ماهوی) دارد (الماسی و حبیبی درگاه، ۱۳۹۱: ٤۹). بر این مبنا، «ختم دادرسی»

4. Clôture des débats
5. Clôture de la procedure

علی انصاری و همکار ـــــــ

(Lando, 2002: 9). این مفهوم در نظام‌های حقوقی کامن‌لا تحت عنوان «معیارهای اثبات»[۷] و در نظام حقوقی فرانسه با عبارت «ارزشیابی دلیل»[۸] مورد بحث قرار گرفته است. در نظام‌های حقوقی نوشته، فرآیند احراز واقعیت عمدتاً به تشخیص و قضاوت دادرس واگذار شده است (بابایی و شامی اقدم، ۱۴۰۱: ۱۶۲). به نظر می‌رسد، ملاک «معقول و متعارف بودن»[۹] به صحت نزدیک‌تر باشد. این معیار بدین معنا است که فرآیند دادرسی، از جمله ارزیابی ادله و نهایتاً اعلام ختم دادرسی، باید در بازه‌ی زمانی معقول و متعارف، با حفظ توأمان سرعت و دقت، صورت پذیرد. بر این اساس، اعلام ختم دادرسی که بر پایه اقناع وجدانی قاضی استوار است، باید در زمانی معقول و متعارف اعلام شود تا به‌عنوان تضمینی برای تحقق عدالت در دادرسی عمل نماید (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۷۴). در نهایت، پس از آنکه قاضی جلسات رسیدگی را برگزار نمود و با ارزیابی ادله ابرازی از سوی طرفین به اقناع وجدانی دست یافت، ختم دادرسی را اعلام می‌کند؛ اقدامی که منشأ آثار حقوقی مهمی خواهد بود.

۲-۲-۲) جایگاه ختم دادرسی در پرتو اصول دادرسی منصفانه

اصل بنیادین دادرسی منصفانه ایجاب می‌کند که فرآیند رسیدگی، بستری برای کشف حقیقت و تضمین کامل حق دفاع اصحاب دعوا باشد. ختم دادرسی به‌عنوان نقطه‌ای بی‌بازگشت، می‌تواند این اصل را به چالش بکشد. زمانی که اعلام ختم دادرسی به یک اقدام تشریفاتی و غیرقابل عدول تبدیل می‌شود، ممکن است حق دفاع طرفین قربانی سرعت‌بخشی به فرآیند صدور رأی گردد. نقش مواعد قانونی در این میان پررنگ است. الزام دادگاه به انشاء رأی ظرف یک هفته (ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی)، هرچند با هدف جلوگیری از اطاله دادرسی طراحی شده، اما در عمل می‌تواند انعطاف‌پذیری قاضی را برای تأمل بیشتر یا

7. Standards of Proof
8. L’appréciation de la preuve
9. Reasonableness

علی انصاری و همکار ـــــــ

اعلام ختم دادرسی، هرچند در جریان یک دعوای ترافعی و توسط دادرس صادر می‌شود، اما به دلیل آنکه راجع به ماهیت دعوا نبوده و اثر قاطع ندارد، در زمره تصمیمات قضایی قرار نمی‌گیرد. همچنین، از آنجایی که ناظر به اختلاف و دعوای ترافعی میان اصحاب دعوا صادر می‌شود، در قالب تصمیمات حسبی نیز قابل طبقه‌بندی نیست. از سوی دیگر، اگرچه می‌توان آن را از حیث ساختار و شکل به دستورات اداری شبیه دانست، اما از آنجا که مقدمه‌ای برای صدور رأی دادگاه محسوب می‌شود، نمی‌توان آن را به‌طور کامل در زمره دستورات صرفاً اداری تلقی نمود.

قوانین پیشین نیز در این خصوص ساکت بودند؛ ماده ۱۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و مواد ۹٤ و ٤٤۰ قانون اصول محاکمات حقوقی ۱۲۹۰، صرفاً به فرآیند پس از ختم دادرسی اشاره داشتند و ماهیت خودِ «اعلام» را روشن نمی‌ساختند. تحولات اخیر قانون دیوان عدالت اداری بیانگر رویکردی جدید است. تبصره ماده ۱۱۱ این قانون و الزام به صدور «دادنامه» برای قرار خاتمه اجرا (نظریه مشورتی ۲۰۰/۱٤۱۰۷۹/۲۳۰ مورخ ۱٤۰۲/۸/۲۰)، نشان از اهمیت‌بخشی به تصمیمات غیرقضایی در فرآیند اجرای حکم دارد (حسینی یزدی، ۱٤۰۲: ۸۵). در نظام فعلی آیین دادرسی مدنی، مقرره صریحی که بتوان از آن به روشنی ماهیت اعلام ختم دادرسی را استنباط نمود، وجود ندارد. در عمل، ختم دادرسی زمانی اعلام می‌شود که دادگاه قصد دارد رأی خود را صادر نماید. از این رو، و با توجه به اینکه معمولاً ختم دادرسی بدون حضور طرفین و هم‌زمان با انشاء رأی در پرونده درج می‌گردد، و نیز با در نظر گرفتن این نکته که مطابق با مواد ۱۲۹۳، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ قانون مدنی و همچنین مقررات مربوط به اسناد تجاری و وصیت‌نامه‌ها، نوشتاری که به شخصی نسبت داده می‌شود تنها در صورت امضا معتبر تلقی می‌گردد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اعلام ختم دادرسی نیز مشمول همین قاعده است. به موجب ماده ۲۹٦ قانون آیین دادرسی مدنی، رأی دادگاه پس از انشاء شفاهی، باید به‌صورت مکتوب تنظیم شده و به امضای قاضی یا قضات برسد. بر این اساس، پیش‌نویس رأی دادگاه بدون امضای قاضی فاقد اعتبار است و به همین ترتیب، هر نوشته‌ای که به شخصی منتسب باشد، تنها در

علی انصاری و همکار ـــــــ

مستلزم وجود حکم صریح قانونی است که در حال حاضر پیش‌بینی نشده است.

در دکترین حقوقی ایران، ماهیت اعلام ختم دادرسی به‌طور دقیق مورد تحلیل قرار نگرفته و اختلاف‌نظرهایی در این خصوص وجود دارد. برخی حقوقدانان اعلام ختم دادرسی را به‌منظور مدیریت جریان دادسی می‌دانند و معتقدند از آنجا که واجد وصف یک تصمیم قضایی (حکم یا قرار) نیست، قابلیت عدول از آن وجود دارد (شمس، ۱۳۹٤، ج ۲: ۲٦٤). برخلاف ماده ۳۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری که به صراحت پذیرش لوایح جدید پس از اعلام ختم دادرسی را ممنوع اعلام کرده، قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص ساکت است. این سکوت قانونی، از طرفی اعمال انعطاف قضایی در موارد خاص را محدود و از طرف دیگر، به دلیل عدم وجود سازوکار شفاف قانونی، امکان عدول از ختم دادرسی را با چالش مواجه کرده است. در رویه عملی و نشست‌های قضایی، موضوع امکان عدول از دادرسی محل اختلاف بوده است. به‌عنوان مثال، در نشست قضایی دادگستری بیرجند مورخ ۱۳۹۸/۳/۲ با موضوع «پذیرش لوایح ابرازی اصحاب دعوا»، اکثریت قضات بر این عقیده بوده‌اند که پذیرش لوایح و دلایل جدید پس از اعلام ختم دادرسی، به دلیل مغایرت با اصول دادرسی منصفانه و نظم آیینی، امکان پذیر نیست. بنابر استدلال مطرح‌شده در نشست مذکور، اولاً، پذیرش دلایل جدید پس از ختم دادرسی موجب نقض اصل تناظر و ایجاد تکلیف جدید برای دادگاه جهت استماع دفاعیات طرف مقابل می‌شود. ثانیاً، چنین امری با هدف قانون‌گذار مبنی بر تعیین زمان متعارف و معقول برای دادرسی مغایرت دارد و موجب اطاله دادرسی خواهد شد. ثالثاً، حتی اگر قانون‌گذار صراحتاً پذیرش لایحه جدید را ممنوع نکرده باشد، اصول کلی حاکم بر دادرسی مدنی، از جمله قاعده فراغ دادرس، مانع بازگشت به مرحله تحقیقات و استماع دلایل جدید است. با این حال، اقلیت موجود در همان نشست بر این باور بوده‌اند که در مواردی که لایحه یا دلیل جدید متضمن کشف اشتباه یا ارائه ادله قاطع باشد، دادگاه می‌تواند از تصمیم خود مبنی بر ختم دادرسی عدول کند. این گروه با استناد به بند ۳ ماده ۱٦ قانون نظارت بر رفتار قضات، عدم پذیرش لایحه جدید را در مواردی که به تضییع حق منجر شود، تخلف انتظامی دانسته‌اند.

علی انصاری و همکار ـــــــ

قابلیت شکایت در دیوان‌عالی کشور را دارد (ماده ۱۸ قانون سوم ژوئیه ۱۹۶۷).[11] این موضوع در راستای نظارت دیوان‌عالی بر آراء تمامی مراجع است.

در عمل، با توجه به حجم بالای ورودی پرونده‌ها به محاکم، اعلام ختم دادرسی پیش از مواعد مقرر قانونی یا قضایی، کمتر موضوعیت می‌یابد. بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۶۱۴۶۴/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ نیز با تعیین مواعدی برای رسیدگی به پرونده‌های حقوقی و کیفری در مراحل مختلف، مؤید همین امر است. با وجود این، نباید از نظر دور داشت که اطاله دادرسی، خود یکی از چالش‌های نظام قضایی است که عواملی چون نقش نیروی انسانی، عملکرد اصحاب دعوا و همچنین وجود برخی قوانین و مقررات در بروز آن مؤثر بوده و می‌تواند به کندی فرآیند رسیدگی و افزایش حجم دعاوی منجر شود (مبین، ۱۳۹۲: ۳۸۷).

۳. تمایز ختم دادرسی از مفاهیم مشابه

در برخی موارد از واژه‌های «ختم رسیدگی» و یا «ختم مذاکرات» به جای ختم دادرسی استفاده می‌شود. حال آنکه هر یک تعریف و اثر خاص خود دارد.

۳-۱) ختم مذاکرات (جلسه رسیدگی)

در فرآیند دادرسی، باید میان «ختم مذاکرات طرفین» و «ختم دادرسی» تمایز قائل شد. «ختم مذاکرات» که در واقع همان «ختم جلسه رسیدگی» است، به مرحله‌ای اطلاق می‌شود که دادگاه استماع اظهارات شفاهی را کافی دانسته و جلسه دیگری را ضروری نمی‌داند. با این حال، این مقطع لزوماً به معنای آمادگی پرونده برای صدور رأی نیست؛ چراکه ممکن است دادگاه پس از آن، جهت تکمیل تحقیقات و حصول اقناع وجدانی، اقداماتی نظیر صدور قرار کارشناسی یا معاینه محل را لازم بداند. بنابراین، ختم جلسه رسیدگی مقدمه‌ای برای ادامه

11. Loi n° 67-523 du 3 juillet 1967 relative à la Cour de cassation (Version envigueur au 13 novembre 2025)

علی انصاری و همکار ـــــــ

۴-۱) صدور رأی قاطع

مهم‌ترین و فوری‌ترین اثر ختم دادرسی، تکلیف دادگاه به صدور رأی قاطع است. اعلام حضوری رأی تنها زمانی ضروری است که ختم دادرسی در جلسه رسیدگی اعلام شده باشد؛ درغیراین‌صورت، رأی به اصحاب دعوا ابلاغ می‌گردد (حیاتی، ۱۳۸٤: ٤۳۵). با اعلام ختم دادرسی، امکان انجام بسیاری از اقدامات ساقط می‌شود؛ از جمله ارائه هرگونه لایحه یا سند جدید، ورود شخص ثالث (ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی)، درخواست سوگند (ماده ۲۸٤ قانون آیین دادرسی مدنی) و استرداد دعوا (بند ب ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی). این قاعده در قانون سابق نیز با صراحت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته بود (ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸). با وجود این، یک استثنای قابل‌توجه وجود دارد. طبق نظریه مشورتی ۷/۱۸۵۳ اداره حقوقی، چنانچه در فاصله میان ختم دادرسی و صدور رأی، قاضی تغییر کند، قاضی جدید می‌تواند در صورت نیاز به تحقیقات بیشتر، از تصمیم به ختم دادرسی که توسط قاضی پیشین اعلام شده، عدول نماید (نهرینی، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

۴-۲) عدم استماع ادعا یا دلیل جدید

اثر مهم دیگر ختم دادرسی، عدم استماع هرگونه ادعا یا دلیل جدید تا زمان صدور رأی است. این امر که مستلزم بازگشایی دادرسی و مغایر با ماهیت ختم آن است (شمس، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۰۳)، از مواد ۲۹۵ و ۳٦۲ قانون آیین دادرسی مدنی نیز استنباط می‌شود. به طریق اولی، با توجه به ممنوعیت طرح ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر، پذیرش آن پس از ختم دادرسی نخستین نیز ممکن نیست. در واقع، اعلام ختم دادرسی به معنای کفایت تحقیقات بوده و پذیرش دلیل جدید ممنوع است (شمس، ۱۳۹٤، ج ۲: ۱۹۲). نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۳۰۳

علی انصاری و همکار ـــــــ

اصلاحی و نظارتی به معنای دوباره قضاوت کردن امری که بدواً مورد قضاوت قرار گرفته و نوعی بازبینی اَعمال دادگاه نخستین است. در مقابل، رسیدگی فرجامی در دیوان‌عالی کشور، واجد ماهیت شکلی و قانونی است. مطابق ماده ۳٦٦ قانون آیین دادرسی مدنی، رسیدگی فرجامی عبارت است از تشخیص انطباق یا عدم انطباق رأی مورد درخواست فرجامی با موازین شرعی و مقررات قانونی (شمس، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۱۲). این تفاوت کارکردی موجب می‌شود که مفهوم ختم دادرسی در مراحل بالاتر، دچار تحدید یا حتی زوال مفهومی گردد.

۵-۲) ختم دادرسی در مرحله تجدیدنظر و ماهیت آن

دادگاه تجدیدنظر به‌عنوان یک مرجع ماهوی، در فرآیند رسیدگی و اتخاذ تصمیمات (اعم از قرارهای اعدادی، قاطع یا احکام)، از الگویی مشابه دادگاه نخستین پیروی می‌کند و مطابق ماده ۳٦۱ قانون آیین دادرسی مدنی، صدور رأی در این مرحله تابع تشریفات دادرسی نخستین است (شمس، ۱۳۹٤، ج ۲: ۳۷۹). با عنایت به «اثر انتقالی» تجدیدنظر، این مرجع مکلّف به بازبینی وقایع و تطبیق مجدد قانون با موضوع است (واحدی، ۱۳۸۷: ۸۵)؛ بنابراین، اعلام ختم دادرسی در این مرحله نیز مقدمه ضروری صدور رأی محسوب می‌شود. با وجود این، ختم دادرسی در مرحله تجدیدنظر از حیث قلمرو و آثار، تفاوت ظریفی با مرحله بدوی دارد. در این مرحله، به دلیل ممنوعیت طرح ادعای جدید (ماده ۳٦۲ قانون آیین دادرسی مدنی) و محدودیت ذاتی در گستره رسیدگی، ختم دادرسی «انعطاف‌ناپذیرتر» است. برخلاف مرحله بدوی که گاه ضرورت کشف حقیقت، بازگشایی محدود دادرسی را توجیه می‌کند، در مرحله تجدیدنظر اصل بر قطعیت و سرعت است. از این رو، اعلام ختم دادرسی در این مقطع، تقریباً غیرقابل عدول بوده و پذیرش ادله جدید پس از آن، با موانع جدی‌تری روبه‌رو است که آن را از الگوی منعطف پیشنهادی برای مرحله بدوی متمایز می‌سازد.

علی انصاری و همکار ـــــــ

۶-۱) خلأ ضمانت‌اجرا در حقوق ایران و نظام‌مندی آن در حقوق فرانسه

در نظام حقوقی ایران، ضمانت‌اجرای مستقیمی برای اعلام ختم دادرسی معیوب پیش‌بینی نشده و تنها راهکار متصوّر برای طرف متضرر، اعتراض به دادنامه نهایی به استناد نقص تحقیقات در مراحل بالاتر است. این خلأ قانونی، در تقابل با رویکرد نظام‌مند حقوق فرانسه قرار دارد که طبق مواد ۱۱۲ تا ۱۲۱ کد آیین دادرسی مدنی آن، این اقدام می‌تواند ذیل عنوان «بطلان شکلی»[14] قرار گیرد. با این حال، اعمال این ضمانت‌اجرا منوط به دو شرط است: وجود نصّ قانونی (مگر در موارد نقض تشریفات اساسی) و اثبات ورود ضرر ملموس[15] به حقوق دفاعی از سوی ذی‌نفع (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). این رویکرد ضمن شناسایی ضمانت‌اجرا، با الزام به اثبات ضرر، مانع از طرح ایرادات واهی می‌شود.

۶-۲) رویکرد پیش‌گیرانه در نظام حقوقی کامن‌لا

نظام کامن‌لا، به‌ویژه در انگلستان و ولز، رویکردی متفاوت و عمل‌گرایانه را اتخاذ کرده که بیشتر ماهیت پیشگیرانه دارد تا جبرانی. در این نظام، به جای تمرکز بر مفهوم «بطلان» پس از وقوع خطا، بر «مدیریت قضایی پرونده» تأکید می‌شود. قاضی از ابتدای دادرسی، جدول زمانی مشخصی برای کلیه اقدامات تعیین می‌کند و عملاً لحظه‌ای به نام «ختم غافلگیرکننده دادرسی» وجود ندارد. اگر یکی از طرفین احساس کند فرصت کافی برای ارائه مدارک خود را نداشته، به جای استناد به بطلان، یک «درخواست»[16]رسمی به دادگاه تقدیم می‌کند. قاضی با در نظر گرفتن «هدف غایی دادرسی»[17] که شامل رسیدگی عادلانه، سریع و متناسب است، در خصوص پذیرش یا رد این درخواست تصمیم می‌گیرد (Andrews, 2017: 112). این رویکرد انعطاف‌پذیر، به جای ابطال اقدامات گذشته، بر اصلاح فرآیند دادرسی برای تأمین

14. Vice de forme
15. Article 114 (Version en vigueur depuis le 01 janvier 1976)
16. Application
17. Overriding Objective

علی انصاری و همکار ـــــــ

ختم دادرسی» را در اصلاحات ۱۹۷۵ فرانسه توجیه کرد. در این پارادایم، قرار ختم دادرسی نقطه‌ی اوج یک فرآیند مدیریت شده است.

۷-۱-۱) شرایط صدور قرار ختم تحقیق

در نظام آیین دادرسی مدنی فرانسه، مرحله تحقیقات مقدماتی و آماده‌سازی پرونده، که اصولاً توسط «قاضی آماده‌ساز» مدیریت می‌شود، با صدور «قرار ختم تحقیق»[۲۲] به پایان می‌رسد. صدور این قرار، که پرونده را برای رسیدگی در مرحله نهایی (دادرسی شفاهی) آماده می‌سازد، بر دو مبنای متفاوت قابل تصور است:

الف) ختم تحقیق در فرض تکمیل رسیدگی: مبنای اصلی و متداول برای صدور قرار ختم تحقیقات، احراز کفایت اقدامات تحقیقی توسط قاضی آماده‌ساز است. در این فرض، قاضی تشخیص می‌دهد که کلیه عناصر لازم برای حل‌وفصل اختلاف گردآوری شده و پرونده برای اتخاذ تصمیم نهایی، آماده است. این قاعده در ماده ۷۹۹ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه تبلور یافته است. به موجب این ماده: «قاضی آماده‌ساز جز در فرضی که مقررات بند دوم ماده ۷۸۱ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه را اجرا می‌کند، به محض اینکه وضعیت تحقیقات ایجاب کند، ختم آن را اعلام کرده و پرونده را نزد دادگاه صالح برای استماع اظهارات و دفاعیات شفاهی در تاریخی که توسط رئیس یا خودش در صورت داشتن نمایندگی در این کار، ارسال می‌کند».[۲۳] در این حالت، قرار ختم، پایانی بر یک فرآیند تحقیقی است که در جریان آن، اصحاب دعوا تکالیف آیینی محوله را به‌نحو مطلوب به انجام رسانده‌اند و پرونده به شکل طبیعی وارد مرحله دادرسی نهایی می‌شود.

ب) ختم تحقیق به‌عنوان ضمانت‌اجرای تخلّف از تکالیف آیینی: فرض دوم که ماهیتی کاملاً متفاوت دارد، ناظر بر وضعیتی است که قرار ختم تحقیقات به‌مثابه یک ضمانت‌اجرا علیه طرفی صادر می‌شود که از انجام تکالیف(آیینی) خود در مواعد مقرر استنکاف ورزیده

22. ordonnance de clôture
23. Article 799:(Version en vigueur depuis le 01 septembre 2025)

علی انصاری و همکار ـــــــ

نمی‌گیرد.[۲۸] قانون‌گذار با این رویکرد، به دنبال تسریع فرآیند دادرسی و جلوگیری از وقفه‌های ناشی از اعتراض به تصمیمات مقدماتی است. با وجود این، قاعده غیرقابل شکایت بودن این قرار، مطلق نیست. چنانچه صدور قرار ختم تحقیقات به‌نحو جدی «حقوق دفاعی»[۲۹] اصحاب دعوا را خدشه‌دار سازد، امکان شکایت به‌صورت استثنائی فراهم می‌شود. این امر به‌ویژه در فرضی که قاضی آماده‌ساز پیش از انقضای مهلت مقرر برای ارائه لوایح، قرار ختم را صادر نماید، مصداق می‌یابد.

۷-۱-۳) امکان تعدیل و لغو قرار ختم تحقیق

صدور قرار ختم تحقیقات در نظام دادرسی مدنی فرانسه، یک منع بنیادین ایجاد می‌کند که هدف آن تضمین قطعیت مرحله آماده‌سازی پرونده و جلوگیری از اطاله دادرسی است. با این حال، سختی و انعطاف‌ناپذیری این قاعده، قانون‌گذار و رویه قضایی را بر آن داشته تا تعدیلات و استثنائاتی را بر آن وارد سازند.

الف) قاعده ممنوعیت ارائه لوایح و اسناد جدید: اثر اصلی صدور قرار ختم، در ماده ۷۸۳ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه متبلور شده است که مقرر می‌دارد: «پس از قرار ختم، هیچ لایحه‌ای نمی‌تواند تسلیم گردد و هیچ مدرکی در مذاکرات قابل ارائه نیست».[۳۰] مبنای توجیهی این ترتیب، حصول اطمینان از دستیابی به هدف نهایی قرار ختم، یعنی آماده‌سازی قطعی پرونده برای دادرسی است و ضمانت‌اجرای آن، عدم پذیرش اسناد و مدارکی است که پس از این مقطع ارائه می‌شوند (Hoffschir, 2023: 1). با این حال، رویه قضایی در برابر لوایح یا مدارکی که هرچند پیش از صدور قرار تسلیم شده‌اند، اما به دلیل نزدیکی زمانی با صدور قرار، فرصت پاسخ‌گویی را از طرف مقابل سلب کرده‌اند، واکنش نشان داده است. در چنین فروضی، قضات با استناد به «اصل تناظر»[۳۱] می‌توانند چنین اسناد و لوایحی را از عداد

28. insusceptible de recours
29. droits de la défense
30. Article 783 (Version en vigueur au 01 janvier 1976)
31. principe du contradictoire

علی انصاری و همکار ـــــــ

دادخواست ورود ثالث پس از صدور قرار ختم تقدیم شود، قرار مذکور در صورتی لغو می‌گردد که دادگاه نتواند فوراً نسبت به تمامی جوانب دعوا (اصلی و طاری) اتخاذ تصمیم نماید. در نهایت، برای پیشگیری از بروز وضعیت‌هایی که منجر به درخواست لغو قرار ختم شود، قانون‌گذار در ماده ۷۹۹ [۳۸] راهکاری پیش‌بینی نموده است. بر این اساس، تاریخ صدور قرار ختم باید تا حد امکان به تاریخ جلسه دادرسی شفاهی نزدیک باشد تا فاصله زمانی برای بروز حوادث غیرمترقبه و ارائه دلایل جدید به حداقل برسد (شمس، ۱۳۷۸: ۲۰).

۷-۲) نظام حقوقی کامن‌لا: مدیریت پرونده و انعطاف در ختم رسیدگی

در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا و انگلستان، برخلاف حقوق فرانسه که «قرار ختم تحقیق» به‌طور رسمی صادر می‌شود، مفهوم «ختم دادرسی» به‌صورت یک نهاد شکلی با تصمیم رسمی وجود ندارد. در عوض، پایان مرحله رسیدگی مقدماتی از طریق سازوکار مدیریت پرونده[۳۹] و زمان‌بندی قضایی[۴۰] مدیریت می‌گردد. در این مدل، تمرکز بر کنترل فعالانه دادرسی توسط قاضی و هماهنگی مستمر با طرفین دعوا است تا از اطاله غیرضروری جلوگیری شود.

۷-۲-۱) مدیریت فعال پرونده[۴۱]

در نظام‌های کامن‌لا، قاضی از لحظه ثبت دعوا، فرآیند رسیدگی را به‌صورت فعالانه هدایت می‌کند. این مدیریت بر اساس مقررات آیین دادرسی مدنی (Civil Procedure Rules – CPR در انگلستان و Federal Rules of Civil Procedure – FRCP در آمریکا) انجام می‌شود. به‌طور خاص، مقرره ۱۶ از FRCP ایالات متحده، به قاضی اختیار می‌دهند تا با

38. Article 779 (Version en vigueur depuis le 01 septembre 2025)
39. Case Management
40. Judicial Scheduling
41. Active Case Management

علی انصاری و همکار ـــــــ

برخلاف نظام فرانسه که پس از صدور قرار ختم تحقیق، ارائه دلیل جدید ممنوع می‌شود، در نظام کامن‌لا ارائه دلایل جدید حتی تا نزدیکی محاکمه نیز ممکن است، مشروط به اینکه طرف مقابل فرصت پاسخ‌گویی داشته باشد و عدالت ایجاب کند (Andrews, 2017: 452). قاضی می‌تواند در صورت بروز مسائل جدید یا کشف ادله تازه، با صدور دستور اصلاحی[۴۸]، مهلت‌ها را تغییر دهد و رسیدگی را مجدداً باز کند.

این انعطاف‌پذیری به‌ویژه در دعاوی پیچیده، مانند اختلافات تجاری بین‌المللی، اهمیت ویژه‌ای دارد (Marcus, 1987: 738). این رویکرد انعطاف‌پذیر به بهترین شکل در چهارچوب قضایی ایجادشده در پرونده «Denton v TH White Ltd» در دادگاه استیناف انگلستان قابل مشاهده است. در این پرونده، دادگاه یک آزمون سه‌مرحله‌ای را برای تصمیم‌گیری در مورد اعطای «معافیت از ضمانت‌اجرا»[۴۹]به طرفی که مهلت‌های رویه‌ای را نقض کرده (مانند تأخیر در ارائه شهادت‌نامه یا گزارش کارشناسی)، تدوین کرد. طبق این آزمون، قاضی باید: نخست، جدیت و اهمیت نقض را ارزیابی کند؛ دوم، دلایل ارائه‌شده برای این نقض را بررسی نماید و سوم، تمام شرایط پرونده را با در نظر گرفتن «هدف غایی»[۵۰] آیین دادرسی، یعنی رسیدگی عادلانه و با هزینه متناسب، بسنجد. این چهارچوب به قاضی اجازه می‌دهد تا به‌جای اعمال یک قاعده خشک و غیرقابل تغییر، میان لزوم رعایت زمان‌بندی دادرسی و ضرورت پذیرش یک دلیل مهم که با تأخیر ارائه شده، توازن برقرار کند. بنابراین، اگر دلیل جدیدی کشف شود و طرف مقابل بتواند فرصت کافی برای پاسخ‌گویی به آن را داشته باشد و عدالت ایجاب کند، قاضی از اختیار خود برای اصلاح جدول زمانی و پذیرش آن دلیل استفاده خواهد کرد.

48. Amended Scheduling Order
49. Relief from sanctions
50. overriding objective

علی انصاری و همکار ـــــــ

دستور اداری صرف تلقی نمود. در واقع، این نهاد از حیث شکل به یک دستور اداری و از حیث آثار به یک تصمیم قضایی شباهت دارد و همین ابهام، ضمانت‌اجرای مشخصی را برای آن تعریف‌ناپذیر ساخته است. دامنه ختم دادرسی در مرحله تجدیدنظر، محدودتر و آثار آن شدیدتر می‌شود و در مرحله فرجام‌خواهی (در دیوان‌عالی کشور)، به دلیل ماهیت نظارتی و شکلی رسیدگی، این نهاد دچار «زوال مفهومی» شده و اساساً کارکرد خود را به‌عنوان نقطه پایان تحقیقات از دست می‌دهد.

در نقطه مقابل این ابهام، نظام حقوقی فرانسه با پیش‌بینی «قرار ختم تحقیق»، ماهیت این تصمیم را به روشنی یک عمل اداری - مدیریتی تعریف کرده و مهم‌تر از آن، با تمهید سازوکارهایی برای تعدیل و لغو، انعطاف‌پذیری آن را تضمین نموده است. به همین ترتیب، نظام کامن‌لا، هرچند فاقد نهاد رسمی ختم دادرسی است، اما از طریق «مدیریت فعال پرونده» و زمان‌بندی قضایی، کنترل مؤثری بر فرآیند تحقیق اعمال می‌کند و امکان بازنگری در مهلت‌ها و پذیرش ادله جدید را تا زمان محاکمه حفظ می‌نماید. این رویکردهای شفاف و منعطف، در تعارض آشکار با بن‌بست رویه‌ای در نظام حقوقی ایران قرار دارد که پس از اعلام ختم دادرسی، امکان عدول و پذیرش ادله جدید را مسدود می‌سازد.

با عنایت به این ابهام ساختاری و فقدان انعطاف‌پذیری که نشأت‌گرفته از سکوت قانون‌گذار است، اصلاحات پیشنهادی، ابعادی فراتر از یک تغییر شکلی صِرف دارد. این تحول می‌تواند به ایجاد توازن میان کارآیی دادرسی و تحقق عدالت ماهوی منجر شود. در واقع، تأسیس یک قرار مدوّن و قابل‌تعدیل، گامی اساسی در جهت گذار به یک رویکرد دادرسی پویا و عدالت‌محور تلقی می‌گردد. بر این مبنا، پیشنهاد می‌شود ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی به شرح زیر اصلاح گردد:

۱. ختم دادرسی در قالب یک «قرار» پیش‌بینی شود؛

۲. امکان عدول از آن در صورت کشف دلیل جدید یا وجود جهات موجّه دیگر، تا پیش از انشای رأی فراهم گردد؛

۳. ضمانت‌اجرای مناسب برای اعلام زودهنگام یا ناقص ختم دادرسی پیش‌بینی شود.

علی انصاری و همکار ـــــــ

سهامی انتشار.
۱۳. محسنی، حسن و مجید غمامی (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی فراملی*، تهران: سهامی انتشار.
۱۴. معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات ادنا.
۱۵. مهاجری، علی (۱۳۷۹). *شرح قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب*، تهران: گنج دانش.
۱۶. واحدی، قدرت‌الله (۱۳۸۷). *بایسته‌های آیین دادرسی مدنی*، تهران: انتشارات میزان.

ب) مقالات

۱۷. الماسی، نجادعلی و بهنام حبیبی درگاه (۱۳۹۱). «درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد»، *فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ٤٤، صص ٤٨ – ٧٢.
۱۸. بابایی، ایرج و شاهین شامی اقدم (١٤٠١). «معیار کارآمد اقناع قاضی»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۱۵۱ – ۱۷۸.
۱۹. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزاله و مهدی حسن‌زاده (١٤٠٢). «ضمانت‌اجرای سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه». *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۷، شماره ۳، صص ۱ – ٤٨.
۲۰. حسینی یزدی، سید محمدحمید (١٤٠٢). «تحولات بخش اجرای احکام قانون دیوان عدالت اداری با تأکید بر دادرسی منصفانه»، *فصلنامه علمی پژوهشی دولت و حقوق*، دوره ٤، شماره ۲، صص ۷۳ – ۸۷.
۲۱. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۰). «تصمیم دادگاه: حق یا تکلیف؟»، *مجله فقه و حقوق اسلامی*، شماره ٤، صص ۱۵۵ – ۱۷۲.
۲۲. صابر، محمود و حسین ناظریان (۱۳۹۳). «مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره

علی انصاری و همکار ـــــــ

l'ordonnance de clôture», Dalloz Actualité.
35. Lando, Henrik (2002). «When is the Preponderance of Evidence Standard Optimal?», Access at: https://research.cbs.dk
36. Larher, Christiane (1988). «L'ordonnance de clôture - Analyse de la jurisprudence des coursd'Angers et de Rennes», *Revue juridique de l'Ouest*, pp. 159-171.
37. Leborgne, François (2015). «Henri Motulsky et le droit», In Regards critiques sur Henri Motulsky, *LGDJ*, pp. 11-23.
38. Marcus, Richard L. (1987). «Reforming Discovery», *University of Chicago Law Review*, 54(3), pp. pp. 738–777.
39. Tirvaudey, Catherine (2023). «Le juge de la mise enétat au cœur du développement de l'amiablejudiciaire», *Revue justice actualités*, 28(2), pp. 50-57.

C) Sites

40. https://www.legifrance.gouv.fr/search/all?tab_selection=all&searchField=ALL&query=cloture+de+debat&page=1&init=true
41. https://www.legifrance.gouv.fr
42. https://www.law.cornell.edu
43. http://www.philosophie-droit.asso.fr

[In Persian]:

A) Books

44. Amid, H. (1985). *Farhang-e Amid [Amid dictionary]*, Tehran: Amir Kabir.
45. Hosseini Nik, S. A. (2019). *Majmooe-ye ghavanin-e karbordi-ye Majd (Hoghooghi va Keyfari) [Majd applied laws collection (Civil and Criminal)]*, Tehran: Majd. [In Persian]
46. Hayati, A. A. (2005). *Sharh-e ghanoon-e ayin-e dadresi-ye madani [Commentary on civil procedure code]*, Qom: Markaz-e Motale'at-e Tose'e-ye Ghazayi.
47. Katouzian, N. (2006). *A'mal-e hoghooghi: Gharardad - Igha [Legal acts: Contract - Unilateral act]*, Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar.

علی انصاری و همکار ـــــــ

farayand-e dadresi-ye karamad [An introduction to the quality of proceedings in the efficient trial process]", *Didgah-haye Hoghoogh-e Ghazayi*, (44), pp. 48-72.

61. Babaei, I., & Shami Aghdam, Sh. (2022). "Me'yar-e karamad-e eghna-e ghazi [Efficient standard of judge's persuasion]", *Pajohesh-haye Hoghoogh-e Khosousi*, 10(37), pp. 151-178.
62. Bafahm, M., Fahimi, A., & Hassanzadeh, M. (2023). "Zemanat-e ejra-ye sou-e estefade az hagh dar dadresi-ye madani-ye Iran va Faranseh [The sanction of abuse of rights in civil procedure of Iran and France]", *Pajohesh-haye Hoghoogh-e Tatbighi*, 27(3), pp. 1-48.
63. Hosseini Yazdi, S. M. H. (2023). "Tahavolat-e bakhsh-e ejra-ye ahkam-e ghanoon-e divan-e edalat-e edari ba takid bar dadresi-ye monsefaneh [Developments in the enforcement of judgments section of the Administrative Justice Court Law with emphasis on fair trial]", *Dolat va Hoghoogh*, 4(2), pp. 73-87.
64. Mobin, H. (2013). "Elal-e ghanooni-ye etale-ye dadresi dar da'avi-ye madani va rahkar-haye eslah-e an [Legal causes of prolonged proceedings in civil cases and solutions for its reform]". *In Majmooe maghalat-e bazkhani-ye nezam-e ghazayi-ye Jomhouri-ye Eslami-ye Iran*, pp. 362-390.
65. Mohseni, H. (2014). "Naghs-e shekli va mahavi dar ayin-e dadresi-ye madani [Formal and substantive defects in civil procedure]", *Pajohesh-haye Hoghoogh-e Khosousi*, 2(6), pp. 139-159.
66. Mohseni, H. (2015b). "Naghs-e a'mal-e ayin-e dadresi-ye madani dar hoghoogh-e Faranseh [Defects in the application of civil procedure in French law]", *Motale'at-e Hoghoogh-e Tatbighi*, 6(2), pp. 793-808.
67. Nahrini, F. (2014). "Zaval-e dadresi be jahat-e esterdad-e da'va [Demise of proceedings due to withdrawal of claim]", *Tahghighat-e Hoghooghi*, 70, pp. 113-136.
68. Rahimi-Nejad, E. (2011). "Tasmim-e dadgah: hagh ya taklif? [Court decision: Right or duty?]", *Fegh va Hoghoogh-e Eslami*, 4, pp. 155-172.
69. Saber, M., & Nazerian, H. (2014). "Reasonable time of proceedings in the International Criminal Court and judgments of the European Court of Human Rights", *Pajohesh-haye Hoghoogh-e Tatbighi*, 18(4), pp. 47-72.